

## بازشناسی مفاهیم معنوی «سکونت» در مسکن سنتی اقلیم کویری

هانیه اخوت<sup>۱</sup>، محمدرضا بمانیان<sup>۲\*</sup>، مجتبی انصاری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای معماری، دانشگاه تربیت مدرس  
<sup>۲</sup> دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس  
<sup>۳</sup> دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۷/۰۱

### چکیده

سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیط مفروض است که از تلاش برای هویت یافتن (به مکانی حس تعلق داشتن) ناشی گردیده است. انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و هستی خود را تثبیت کرده باشد. از این رو، مفهوم سکونت همواره در طول تاریخ، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. این مقاله با هدف ساختارشناسی مفاهیم سکونت و مسکن از نگاه اندیشه‌ورزان و سپس دیدگاه قرآن، تنظیم گشته است. روش پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و با انتخاب نمونه مسکن‌های سنتی در اقلیم گرم و خشک ایران انجام شده است. در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک ایران، با توجه به اقلیم سخت و طاقت‌فرسای کویری، همواره سعی بر این بوده تا علاوه بر توجه به مفاهیم معنوی، شرایط مناسب زیستی را در داخل خانه فراهم آورند. روش جمع‌آوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد سخت و نرم و میدانی با مشاهده خانه‌های سنتی اقلیم گرم و خشک و در نهایت ترسیم دیاگرام تحلیلی از آن‌ها است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مسکن سنتی به علت جواب‌گویی به نهاد کمال مطلوب با انسان عجین است. از این رو، مسکن سنتی - اسلامی را نمی‌توان تنها به لحاظ کالبدی، هندسی و شکلی توصیف کرد، بلکه معانی و رای آن از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، این معانی در انتهای مقاله به عنوان الگویی برای احداث مسکن مطلوب معاصر بیان گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: مفهوم سکونت، مسکن سنتی، بازشناسی، مفاهیم معنوی، اقلیم کویری.

\* E-Mail: Bemanian@modares.ac.ir

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری هانیه اخوت با عنوان «بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی؛ نمونه: شهر یزد» است که به راهنمایی جناب آقای دکتر بمانیان و مشاوره جناب آقای دکتر انصاری در دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس است.

## مقدمه

«سکنه» معادل عربی کلمه خانه است. یوسف القردادی یکی از پژوهشگران اسلامی، مسکن را این گونه تعریف می کند: «مسکن، جایی است که در آن هرکس خودش را از عوامل آزاردهنده محیطی و اقلیمی محافظت می کند. این مکان آدمی را از فشارهای روانی و عصبی دور کرده و به عنوان مکانی برای استراحت بدنی و آرامش روحی مطرح می گردد» (Al-Hathloul, 2003: 80). این تعریف برای مسکن، یادآور بسیاری از آیه های قرآن است: «و خدا برای سکونت دائم شما منزل های تان را از پوست چهارپایان خیمه ها را برای شما قرار داد تا وقت سکون و حرکت سبک وزن و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و مو، اثاثیه منزل و متاع برای شما خلق نمود تا در حیات دنیا از آن استفاده کنید» (سوره نحل، آیه ۸۰). در دین اسلام، مسکن به عنوان مکانی برای ارتباط با اعضای خانواده و تقویت روابط خانوادگی معرفی شده است. پیامبر اکرم (ص) نیز داشتن خانه را به عنوان سهم یا نشانه ای از شادی و خوشبختی مرد می داند و می فرماید: «خوشبختی مرد داشتن سه چیز است: داشتن همسری خوب، داشتن مرکب خوب (وسیله حمل و نقل) و داشتن خانه خوب و فراخ» (بحارالانوار، ج ۲۳: ۵۱). در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نقل است که «برای خانه، شرفی است و شرف خانه در وسیع بودن آن است و مهمانی دادن به افراد صالح در آن؛ و برای خانه برکت است و برکت خانه در آن است که در محل مناسب باشد و وسیع باشد و همسایه های خوب داشته باشد.» (بحارالانوار، ج ۷۳: ۱۵۴-۱۵۳).

در این مقاله، ابتدا مفاهیم مرتبط با سکونت از جنبه معناگرایی به بحث گذارده شده است. پس از ساختارشناسی این مفهوم از دید اندیشمندان معاصر، دیدگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت ویژگی های مسکن مطلوب با توجه به یافته ها بیان شده است.

### ۱. نگرش معناگرایانه به مفاهیم سکونت

پرداختن به ریشه ها در نگاه معناگرایان با نگاه کالبدی و شکل گرا تفاوت دارد. در نگاه معنایی، پژوهشگر به دنبال تکامل کالبدی نیست، بلکه به دنبال شناخت ریشه شکل گیری پیوند کالبد و معنا و کیفیت این ارتباط است. یکی از دلایل پرداختن به ریشه ها نقش اساسی و مهم آن در هویت بخشی به پیروان کنونی هر دین و یا مسلک خاص است. از هنگام شکل گیری ادیان الهی، پیروان آن خود را با هویت و شخصیتی جدید می بینند که به وسیله محتوای دین جدید به وجود می آید (نمودار شماره ۱).

شولتز در کتاب معماری معنا و مکان چنین می گوید: «محیط تنها در صورتی به محیط اجتماعی با معنایی مبدل می شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی دارد». سپس ادامه می دهد: «این وظیفه معمار است که به فضاها فرمی بدهد که آن ها محتوای لازم را دارا شوند. برای نمونه، این معمار است که خانه را به گونه ای که امنیت و آرامش را فراهم آورد، طراحی می کند» (شولتز، ۱۳۸۲: ۵۳).



نمودار شماره ۱: دیاگرام نگرش معناگرایانه، هدف، نگاه، ابزار و محصول

در جوامع دینی این اعتقاد وجود دارد که انسان دارای یک صورت زمینی آشکار و یک سیرت الهی پنهان است که این دو بر یکدیگر منطبق و غیرقابل تفکیک هستند. به همین ترتیب، معماری هم که رابطه ای مستقیم با انسان دارد، دارای صورت زمینی آشکار و سیرت معنوی پنهان است. مسکن یکی از مهم ترین فضاهای معماری است که رابطه مستقیم با خود انسان برقرار می کند. لذا صورت زمینی مسکن به عملکردهای مورد نیاز انسان و ابعاد انسانی پاسخ گو است و سیرت معنوی آن درصدد جواب گویی به اعتقادات و باورهای ساکنان آن است (Jean-Louis Michon, 1980: 32). در مسکن سنتی اقلیم گرم و خشک ایران، با توجه به اقلیم سخت و طاقت فرسای کویری، همواره سعی بر این است تا شرایط مناسب زیستی در داخل خانه فراهم شود و از نفوذ هوای نامناسب کویری به داخل جلوگیری به عمل آید. از طرفی دیگر جریان داشتن روح دینی در مسکن سنتی منجر به آفرینش و رعایت برخی اصول مانند حریمت، درون گرایی، رعایت رون راسته و... می گردد. از این رو هر دو جنبه صورت زمینی و سیرت الهی در مسکن سنتی اقلیم کویری ایران مشهود است.

### ۲. ساختارشناسی مفهوم سکونت از دیدگاه اندیشمندان

#### ۱-۲. شولتز

هنگامی که احراز هویت، مقصود خود را حول کیفیت چیزها متمرکز می گرداند، تعیین موقعیت، ارتباطات فضایی بین این ها را منظور می دارد. بدیهی است که بدون احراز هویت واقعی به واسطه چیزها، تعیین موقعیت بین آن ها ممکن بوده و می توان به طریق مشابه و بدون مداخله کامل عملکرد تعیین موقعیت، توسط برخی چیزها به هویت نیز رسید. بنابراین توانایی در تمیز بین موضوع های احراز هویت و تعیین موقعیت به عنوان جنبه های دوگانه سکونت از اهمیت بالایی برخوردار است. این جنبه ها بر عملکردهای معمارانه تجسم و پذیرش منطبق است. هر محیط در همان حال که جهت تحقق اعمالی مشخص آنها را در خود پذیرا می گردد، مفاهیمی را نیز تجسم می بخشد (نمودار شماره ۲) (شولتز، ۱۳۸۹: ۲۲).



نمودار شماره ۲: دیاگرام نگرش شولتز به مفهوم سکونت

## ۲-۲. هایدگر

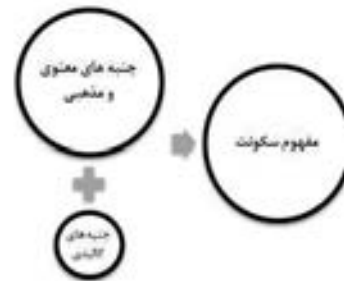
هایدگر به مترادف بودن مفاهیم سکونت و بودن اشاره می‌کند و تفکر در پدیده سکونت و مسکن را امری ضروری می‌داند و می‌گوید: «تنها زمانی سکونت تحقق خواهد یافت که ساختن و تفکر کنار هم قرار گیرند و بخشی از سکونت شوند» (نمودار شماره ۳) (هایدگر، ۱۳۸۱: ۲۴).



نمودار ۳: دیاگرام نگرش هایدگر به مفهوم سکونت

## ۳-۲. راپپورت

از گذشته‌های بسیار دور، خانه برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن کاملاً مشهود است. همچنین به اعتقاد او، عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان و حیات مانند اعتقادات مذهبی، ساختار اجتماعی قبیله و خانواده، روش زندگی و همچنین شیوه ارتباطات اجتماعی افراد، نقش مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (نمودار شماره ۴ و ۵) (براتی، ۱۳۸۲: ۲۵).



نمودار شماره ۴: دیاگرام نگرش راپپورت به مفهوم سکونت



نمودار شماره ۵: دیاگرام نگرش راپپورت به مفهوم سکونت

## ۴-۲. الکساندر

الکساندر «کیفیت بی نام» را در محیط و مسکن مطرح و توصیه می‌کند که گوهری را که راه شکل دادن به محیط زندگی را بنا بر فطرت و تجربه هزاران سال نوع بشر به آنان عرضه می‌کند، همچون اعصار گذشته بیرون کشند، چرا که آن را به فراموشی سپرده‌اند.

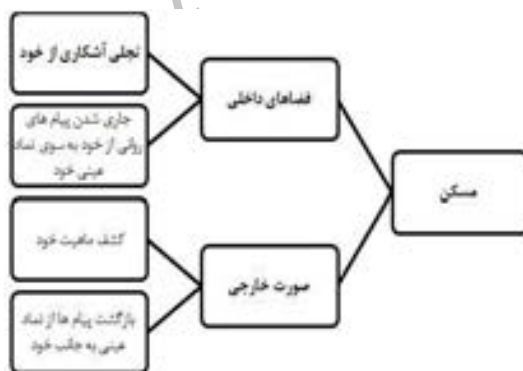
کیفیت بی نام شامل مجموعه قوانینی است که در عالم واقع، بیرون از خواست این و آن به راه خود می‌رود و به مقتضای خود عمل می‌کند. این کیفیت، بنیادی‌ترین کیفیتی است که در هر چیز وجود دارد و در هیچ جا یکسان نیست، زیرا شکل خود را از مکان خاصی می‌گیرد که در آن روی می‌دهد و تنها زمانی می‌تواند در ما زنده شود که در عالمی که جزئی از آن هستیم وجود داشته باشد. هویت فضا هم، نه صرفاً به محیط کالبدی، بلکه به این کیفیت نیز بستگی دارد (نمودار شماره ۶) (الکساندر، ۱۳۸۱: ۵۲).



نمودار شماره ۶: دیاگرام نگرش الکساندر به مفهوم سکونت

## ۵-۲. کوپر

کوپر، خانه را همچون نمادی از خود می‌داند. به اعتقاد او خانه بازتابی است از این که انسان خود را چگونه می‌بیند. از دیدگاه او خانه دو جزء بسیار متفاوت دارد؛ فضاهای داخلی که متشکل از فضای محصور درونی و خصوصی است و صورت خارجی که فضای باز بیرونی و عمومی را در برمی‌گیرد. وی در این باره می‌نویسد: خانه ممکن است به دو صورت دیده شود: اولی تجلی آشکاری از خود است، که در این حالت پیام‌های روانی از خود به سوی نماد عینی خود جاری می‌شوند و دوم به صورت کشف و شهود ماهیت خود که در این حالت پیام‌ها از نماد عینی به جانب خود بازمی‌گردند (نمودار شماره ۷) (کوپر، ۱۳۷۹: ۵۹).



نمودار شماره ۷: دیاگرام نگرش کوپر به مفهوم سکونت

### ۳. ساختارشناسی مفهوم سکونت در دین اسلام

با توجه به تعاریف قبل در معنا و مفهوم سکونت و مسکن، واضح است که مسکن محل سکون و به آرامش رسیدن انسان است. از دید هایدگر انسان فنا شونده است و هر کجا احساس آرامش کند، محل سکونت وی همان جاست. وی می‌گوید: «انسان‌های فانی در حالی سکنا می‌گزینند که آسمان را چون آسمان پذیرا می‌شوند، حیاط‌هایشان را به خورشید و ماه، راه‌هایشان را به ستارگان و برکت‌ها و سختی‌هایشان را به فصول سال و می‌گذارند» (شوای، ۱۳۷۵: ۴۳۶). البته این گونه تلقی از مسکن ساکن است. انسان دائماً و به صورت پیوسته در حال تغییر است و این گونه تغییر در قرآن، سوره همزه، آیه ۳ آمده است: «یحسبون ان ماله اخلده، پندارد که مال و دارایی دنیا عمر ابدش خواهد بخشید». انسان سنتی و دینی یک شدن است نه یک بودن. این انسان فناشونده نیست، بلکه در حال شدن و تکامل است و تنها در روز رستاخیز است که به بودن می‌رسد و قابل تعریف می‌گردد (شریعتی، ۱۳۵۹: ۹۳). لذا مسکن نه به معنای جایی برای ماندن و بودن، بلکه جایی است برای شدن. بنابراین مسکن به شدن انسان و هویت یافتن او کمک می‌کند. آرامش هم به معنای رسیدن به آرامش قلبی و رسیدن به قلب مطمئن است. لتطمئن القلوب (آل عمران/ ۱۲۶). انسان زمانی به آرامش می‌رسد که دارای قلب مطمئن گردد و به کمال الهی رسیده باشد. هدف غایی انسان کامل، رسیدن به کمال الهی است. بنابراین غایت مسکن او هم باید در این جهت به او کمک‌رسان باشد (نمودار شماره ۸).



نمودار شماره ۸: دیاگرام نگرش اسلامی به مفهوم سکونت

کارکردی متفاوت داشته باشند» (قزلباش، ۱۳۶۴: ۸۳). در این نظام، قلب خانه، حیاط است که به شکل مستطیل خوش تناسب در امتداد محور شمالی - جنوبی متمایل به شرق (رون راسته) است. بنابراین جهت‌گیری خانه در جهت قبله است که به خانه تقدس و حرمت خاصی می‌بخشد. خانه‌های سنتی در نظام اسلامی دارای حرمت و محرمیت هستند. در زندگی فرد مسلمان بیش تر به ابعاد درونی و معنوی در مقایسه با ابعاد بیرونی و مادی تأکید می‌شود. تأکید بر شخصیت فرد در اسلام، اعضای خانواده او را منزل یا حرم و منسوبان مقدس او محسوب کرده و این مفهوم نمادین در خصوصی‌ترین عرصه زندگی او در حیاط و قلب خانه سنتی نمایان می‌شود (پیشین: ۲۴). در حقیقت حیاط خانه‌های سنتی، مظهری از صورت مرکز‌گرایی عالم صغیر یا باطن است. فضا در حد «کنز مخفی» خانه در شکل محاط شده است، همچنان که در انسان نیز نفس که دربرگیرنده روح است، در جسم محاط می‌شود. میانکش شکل و سطح باید فضایی پاک، غرق آرامش و خالی از تنش و تفکرانگیز باشد. تعبیه حوض سنتی در این فضای آرام، مرکزی را همچون جهتی مثبت برای تخیل خلاقه فراهم می‌آورد. بدین سان آفرینش عرضی آدمی به علت طولیه می‌پیوندد و بازسازی بهشت تمامی می‌پذیرد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۶۸). نمودار شماره ۹، اهمیت حیاط مرکزی و سازماندهی فضاها در اطراف حیاط را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۹: دیاگرام نحوه شکل‌گیری فضاها در اطراف حیاط مرکزی در اقلیم کویری، جهت فلش حوزه ورودی را نشان می‌دهد.

### ۴. تجزیه و تحلیل کالبد مسکن سنتی از منظر آیات قرآن

معماران سنتی از طریق رمز و تمثیل به ساحت‌های دیگری از هستی اشاره داشته‌اند؛ چنان که اعوانی در کتاب حکمت و هنر معنوی می‌نویسد: «آن چه در عالم حس یا عالم شهادت متجلی می‌بینیم، مظهری از همان حقیقتی است که در عوالم دیگر یا در مراتب دیگر وجود، مطابق با همان عالم و مناسب با همان مرتبه تجلی دارد. به بیان دیگر هر چیزی در عالم، مثالی از یک حقیقت برتر است» (اعوانی، ۱۳۷۵: ۳۳۳). بنابراین هر رمزی در مسکن سنتی یک رمز و تمثیل از یک حقیقت وجودی متعالی است. در این میان قرآن به عنوان مرجع اصلی تعلیم اسلامی، می‌تواند راهگشای چگونگی سازمان‌دهی مسکن سنتی - اسلامی باشد. - سوره نمل، آیه ۸۸: صنع الله الذی اتقن کل شیء؛ هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته است.



۳. جداسازی کامل با مفصل‌بندی‌های متعدّد و مناسب مانند هشتی، راهرو و ...

۴. ایجاد آرامش و امنیت و سکون مناسب در مقابل سایر فضاهای شهری که به طور طبیعی شلوغ و پرازدحام است (تصویر شماره ۱ و ۲)،  
۵. توجّه به فضاهای مناسب در خانه برای عبادت، پذیرایی از مهمانان، شستشو و حمام.

- سورة الرحمن، آیه ۷: و السماء رفعها و وضع المیزان؛ و آسمان را بلند و میزان را در عالم وضع نمود.

- سورة فرقان، آیه ۲: و خلق کل شیء بقدره تقدیراً؛ و همه چیز را او آفریده و آن را به اندازه کرده، اندازه‌ای دقیق

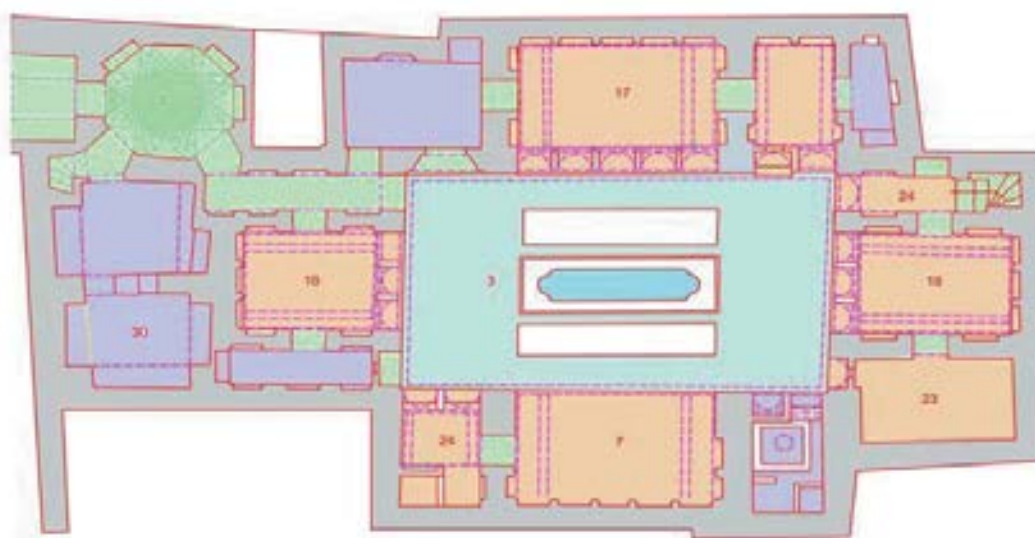
این آیات نشان می‌دهد که در ساختمان جهان، تعادل رعایت شده و در هر چیزی از ماده به قدر لازم استفاده شده است (مطهری، ۱۳۴۹: ۸). در این جا عدل به معنی داشتن تناسب در مقابل بی‌تناسبی است. تناسب‌ها

در این آیه، خداوند ویژگی صنع خود را با کلمه اتقان آورده است. اتقان به معنی منظم ساختن و محکم نمودن است (تفسیر نمونه، ج ۱۵: ۵۶۸). بنابر این معمار، باید با پیروی از خدای خود خلق کند و خلاقیت و هنر خود را با اتقان، به کمال برساند. زمانی هنر به کمال می‌رسد که معانی نهفته در آن، برگرفته از تعالیم و قوانین الهی باشد. معمار سنتی نیز با استفاده از این تعالیم و بر پایه شناختی صحیح از انسان و باورهای روحی و جسمی او به تدابیری متنوع و همراه با نبوغ در مسکن سنتی اندیشیده است که می‌تواند در مسکن اسلامی امروز مورد استفاده قرار گیرد. برخی از این تدابیر و اصول در موارد ذیل بیان گردیده‌اند:

۱. پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها و ایجاد حریمیت،  
۲. پرهیز از هر نوع مزاحمت همجواری بین خانه‌ها و فضاهای عبوری و عمومی،



تصویر شماره ۱: قرارگیری خانه بی‌بی رقیه در محله فهادان، بافت سنتی شهر یزد  
مأخذ: [www.earth.google.com](http://www.earth.google.com)

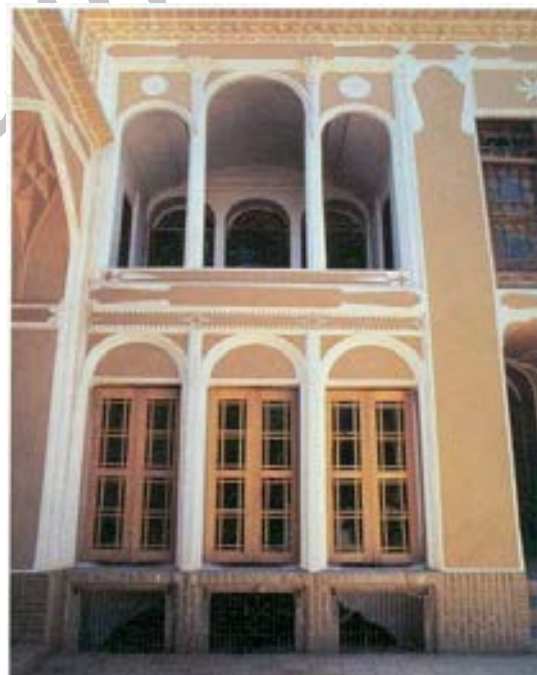


تصویر شماره ۲: پلان خانه بی‌بی رقیه در شهر یزد؛ فضاهای مختلف شامل ورودی، زیستگاهی و خدماتی با رنگ‌های متفاوت نشان داده شده‌اند.  
مأخذ: گنجنامه، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، خانه‌های یزد

همواره باعث می‌شوند تا جسم متعادل شده، نیکوتر و در تعادل برافراستی آن مؤثر باشد. بنابراین اساس طبیعت بر اساس تناسب‌ها و اندازه‌های ویژه‌ای پی‌ریزی شده است و در نظمی خاص، جریان تکوینی جهان و کیهان را شامل گشته، سیر تکاملش را به سوی کمال رهنمون می‌کند. هر اثر ایجاد شده در این عالم، اگر از اندازه‌های طبیعی بیرون باشد، غیرعادی، ناخوشایند و ناپذیرا می‌گردد و نمی‌تواند راهی به سوی کمال مطلوب داشته باشد. بنابراین همواره در مسکن سنتی، رعایت هندسه و تناسب جایگاه ویژه‌ای داشته است. بنابراین می‌توان به موارد ذیل به عنوان کاربرد تعادل و تناسبات نیکو در مسکن سنتی اشاره کرد.



تصویر شماره ۳: جبهه شمال شرقی و شمال غربی خانه محمودی در مجموعه عرب ها، یزد



تصویر شماره ۴: بخشی از نمای اصلی خانه محمودی، یزد

۱. عرصه‌بندی فضاهای مختلف داخلی، به گونه‌ای که برای همه افراد هم امکان فضاهای کاملاً خصوصی و هم فضای پذیرایی از مهمان را همزمان با کم‌ترین مزاحمت در کنار هم فراهم نماید.  
۲. در بدنه نماها، کتیبه‌بندی روی دیوارها، نماها را آرام می‌کند و تقسیمات و تناسبات دلنشین نماها در طول خود، بر محور مرکزی

آن تأکید می‌ورزند (تصویر شماره ۳ و ۴).  
۳. محوربندی و ارزش‌گذاری فضاهای داخلی به گونه‌ای که مهم‌ترین فضاهای خانه مانند پذیرایی و نشیمن خانوادگی در محور اصلی و سپس فضاهای خصوصی در محورهای فرعی‌تر و نهایتاً فضاهای خدماتی در فرعی‌ترین محورها قرار گیرند (تصویر شماره ۵).

۴. داشتن هندسه‌ای اعجاز‌آفرین که حرکت از کثرت و تنوع را به مرکزیت و وحدت به صورت کاملاً طبیعی و متوازن تداوم می‌بخشد که جانمایه نظم در طراحی است.

۵. هم‌آوایی بدنه‌ها با هندسه فضاهای عبوری، راه‌ها و نهرها.  
- سوره اعراف، آیه ۱۸۰: ولله الاسماء الحسنی؛ و برای خداوند اسامی نیکویی است.

انسان مظهر صفات و اسامی الهی است و به حکم آیه ۳۱ سوره بقره «علم آدم الاسماء کلها»، همه حقایق اسماء و صفات الهی به او تعلیم داده شده است. بنابراین زیبایی که یکی از صفات خداوندی است، جزء صفات فطری انسان می‌گردد و می‌توان ادعا نمود که انسان زیباست و فطرتاً زیبایی را دوست دارد. انسان همچنین دوست دارد، نمود زیبایی را در آن چه خلق می‌کند، ببیند و بر اساس توصیه خدای خود در آن به تفحص و کنکاش بپردازد. مسکن سنتی که بر اساس زندگی انسان مسلمان طراحی و ساخته شده است، تنها دارای زیبایی ظاهری نیست، بلکه جمال و زیبایی جزء ذات آن است. لذا زیبایی در این گونه معماری از نوعی معرفت معنوی برخوردار است که در مخاطب خود اثر روحانی و معنوی پدید می‌آورد. زیبایی در مسکن سنتی منتج از عوامل گوناگونی است که در موارد ذیل بیان شده است.

۱. پرهیز از هرنوع خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه‌سازی و رعایت حد اعتدال و نیاز،

۲. ایجاد فضاهای مناسب برای عبادت و پذیرایی از مهمان،

۳. ایجاد فضاهای زیبا و مزین به تزیین‌های انتزاعی (تصویر شماره ۶)،

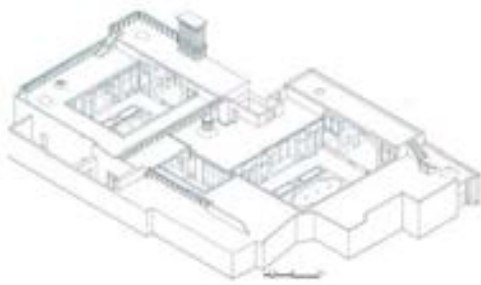
۴. دور از چشم بودن دستشویی و آبریزگاه‌ها.

- سوره روم، آیه ۴۷: و له المثل الاعلی فی السموات و الارض؛ و آن ذات یکتا را در آسمان و زمین مثالی عالی‌تر است.

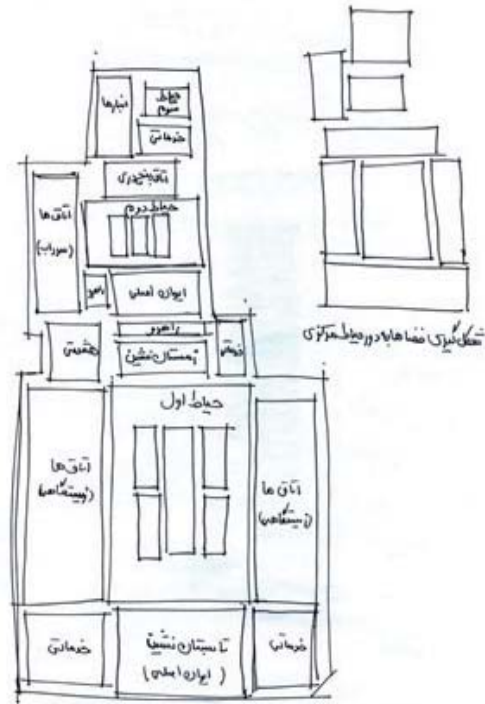
- سوره نساء، آیه ۵۷: جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابداً؛ بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاریست و در آن زندگانی جاوید کنند.

با توجه به آیه ۲۷ سوره روم، مثل اعلا از آن خداست و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، از آن اویند و همه خلایق در برابر او خاضع و مطیع هستند (تفسیر نمونه، ج ۱۶: ۴۰۸). مسکن سنتی نیز رمز تجلی این مثل است. معماران سنتی در ضمیر خود چشم دوخته بودند و مطلوبی یگانه داشتند. این مطلوب را در مرکز و قلب خانه با ایجاد بدنه‌ای منظم و متقارن به منصف ظهور رسانده‌اند. در این میان حیاط را به عنوان مرکزی انتخاب کرده که از یک قاعده مربع یا مستطیل نزدیک به مربع تشکیل شده و بالای آن، گنبد آسمان قرار دارد. در زیر گنبد آسمان، بهشت را بر اساس آیه ۵۷ سوره نساء احداث می‌کرده‌اند که در آن از درخت و آب استفاده شده بود. به طور کلی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

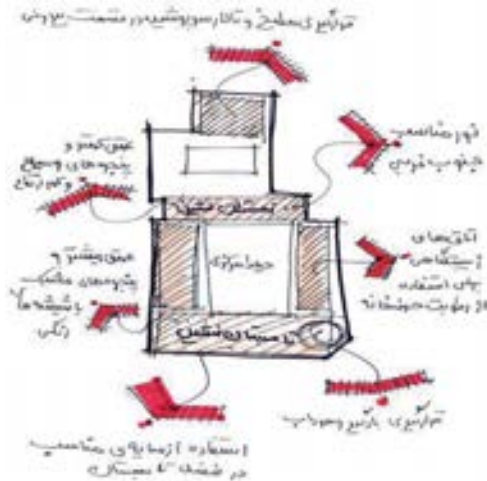




تصویر شماره ۷: خانه گلشن در یزد  
 مأخذ: گنجنامه، فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، خانه‌های یزد



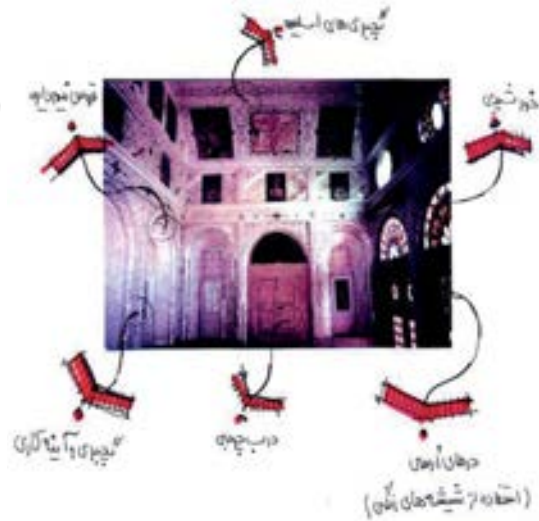
تصویر شماره ۵: دیگرام فضایی خانه لاری‌ها در یزد  
 نما از بازو دهی فضایی



تصویر شماره ۸: بهره‌گیری از عوامل اقلیمی در تابستان و زمستان در خانه سنتی لاری‌ها در یزد

### نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از بررسی مفهوم سکونت از نظر اندیشمندان چون شولتز، هایدگر، الکساندر، رایپورت، کوپر و سپس در مبانی اسلامی، کالبد مسکن سنتی - اسلامی از منظر آیات قرآن مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل چنین می‌نماید که انسان سنتی از نظر اسلام دو سویه است، یک سوی او به سوی خدا و روح الهی و سوی دیگر او به سمت زمین و نیازهای نفسانی حرکت می‌کند. مسکنی که پاسخگوی این دو زمینه انسانی باشد، مسکن سنتی نامیده می‌شود. لذا مفاهیم اسلامی همواره در کالبد خانه‌های سنتی جریان داشته تا بتواند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان باشد؛ به عبارت دیگر، در تفکر اسلامی اصل، رسیدن به کمال مطلوب الهی است که در نهاد انسان وجود دارد. مسکن سنتی به علت جواب‌گویی به این نهاد فطری با انسان انس دارد. از این رو، مسکن سنتی - اسلامی را نمی‌توان تنها به لحاظ کالبدی، هندسی و شکلی توصیف کرد، بلکه معانی و رای آن‌ها از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. همان‌طور که در این مقاله بررسی شد، این معانی می‌توانند به عنوان الگویی برای احداث مسکن معاصر مورد بهره‌برداری قرار گیرند. جدول شماره ۱، بیانگر اصول و معیارهای مسکن مطلوب از دیدگاه اسلامی و با توجه به آیات قرآنی است.



تصویر شماره ۶: بهره‌گیری از تزئینات مختلف در فضای داخلی خانه لاری‌ها در یزد

۱. توجه به وسعت مناسب برای خانه و ارتباط با طبیعت،
۲. ایجاد مرکزیت در خانه با استفاده از حیاط مرکزی (تصویر شماره ۷)،
۳. شیوه جهت‌گیری مناسب مسکن با توجه به اقلیم،
۴. بهره‌برداری کامل از مواهب طبیعی مانند آسمان، باد، نور خورشید و سرما و گرما (تصویر شماره ۸)،
۵. برخورداری هر خانه از فضاهای سرباز و طبیعی حیاط و فضاهای نیمه باز مانند ایوان‌ها و فضاهای سربسته برای استفاده در فصول مختلف و ساعات مختلف روز.

جدول شماره ۱: تحلیل اصول و معیارهای مسکن مطلوب از دیدگاه قرآن

سوره/آیه	تفسیر آیه	معیارهای مسکن مطلوب
نمل/ ۸۸	- پیروی انسان از خدای خود و خلق هنر جاودانه - به کمال رساندن هنر به وسیله بهره‌گیری از تعالیم الهی	- پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها و ایجاد محرمیت - پرهیز از هر نوع مزاحمت همجواری بین خانه‌ها و فضاهای عبوری و عمومی - جداسازی کامل با مفصل بندی‌های متعدد و مناسب مانند هشتی، راهرو و ... - ایجاد آرامش، امنیت و سکون مناسب در مقابل سایر فضاهای شهری
الرحمن/ ۷ فرقان/ ۲	بهره‌گیری از هندسه و تناسبات به کاررفته در نظام آفرینش در جهت به کمال رساندن هنر	- عرصه بندی فضاهای مختلف داخلی - تقسیمات و تناسبات دلنشین نماها در طول خود، بر محور مرکزی آن تأکید می‌ورزند. - محوربندی و ارزش گذاری فضاهای داخلی - داشتن هندسه‌ای اعجاز‌آفرین که حرکت از کثرت و تنوع راه به مرکزیت و وحدت تلاوم می‌بخشد - نظم در طراحی - هم‌آوایی بدنه‌ها با هندسه فضاهای عبوری و راه‌ها و نهرها
اعراف/ ۱۸۰	بهره‌گیری از زیبایی ذاتی در خلق هنر و ایجاد اثری روحانی و معنوی	- پرهیز از هر نوع خودنمایی و تظاهر و اسراف در خانه سازی و رعایت حد اعتدال و نیاز - ایجاد فضاهای مناسب برای عبادت و پذیرایی از مهمان - ایجاد فضاهای زیبا و مزین به تزئینات انتزاعی - دور از چشم بودن دستسویی و آبریزگاه‌ها
نساء/ ۵۷	بهره‌گیری از رمز و تمثیل در خلق هنر والا و الهی	- در نظرگیری وسعت مناسب برای خانه و ارتباط با طبیعت - ایجاد مرکزیت در خانه با استفاده از حیاط مرکزی - شیوه جهت‌گیری مناسب مسکن با توجه به اقلیم - بهره‌برداری کامل از مواهب طبیعی - برخورداری هر خانه از فضاهای سرباز و فضاهای سربسته و نیمه‌باز

## فهرست منابع و مراجع

۱. اردلان، نادر؛ بختیار، لاله، حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، نشر خاک، ۱۳۸۰.
۲. اعوانی، غلامرضا، حکمت و هنر معنوی، (مجموعه مقالات)، انتشارات گروس، تهران، ۱۳۷۵.
۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد ۲۳ و ۷۳، مؤسسه الوفا بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هجری.
۴. براتی، ناصر، بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، نشریه خیال، شماره ۸.
۵. حاجی قاسمی، کامبیز، گنجنامه فرهنگ آثار معماری ایران، خانه‌های یزد، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۸۳.
۶. راپاپورت، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضا زاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ۱۳۶۶.
۷. شریعتی، علی، تاریخ تمدن، جلد اول، دفتر تنظیم مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، تهران، ۱۳۵۹.
۸. شوای، فرانسوا، شهرسازی تخیلات و واقعیات، ترجمه سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵.
۹. قرآن کریم.
۱۰. قزلباش، فرهاد؛ ابوالضیاء، محمدرضا؛ الفبای کالبد خانه‌های سنتی یزد، وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۴.
۱۱. الکساندر، کریستوفر، معماری و راز جاودانگی، راه بی زمان ساختن، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. کوپر، کلیس، خانه همچون نمادی از خود، از کتاب مبانی فلسفی و روانشناختی اداراک فضا، ترجمه آرش ارباب جلفایی، نشر خاک، اصفهان، ۱۳۷۹.
۱۳. مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات حسینیه ارشاد، تهران، ۱۳۴۹.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه: تفسیر و بررسی تازه‌های درباره قرآن مجید با در نظر گرفتن نیازها، خواست‌ها، پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۵. نوربرگ شولتز، کریستیان، معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، چاپ چهارم، نشر جان جهان، تهران، ۱۳۸۲.
۱۶. نوربرگ شولتز، کریستیان، مفهوم سکونت به سوی یک معماری تمثیلی، ترجمه محمود امیریاراحمدی، چاپ چهارم، انتشارات آگه، تهران، ۱۳۸۹.
17. Jean-Louis Michon, 'Religious Institutions', The Islamic City, edited by R. B. Serjeant, Paris, Presses Universitaires de France, 1980, p. 32.
18. S. A. Al-Hathloul, op. cit., pp. 80-1.
19. Yusuf Al-Qaradawi, **The Lawful and the Prohibited in Islam** (Al-Oalal Wal Oaram Fil Islam), Indianapolis, American Trust Publication, 1960, p. 96. For the Prophetic hadith on the signs of happiness see Ahmed 'Ibn Hanbal (d. 241/855), Musnad Al-Emam Ahmad, Vol. I, Beirut, Al-Maktab Al-Islami, 1920, p. 72.